info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۴۰
یکشنبه / ۳۰ شهریور / ۱۴۰۴
۲۸ / ربیع الاول / ۱۴۴۷
21 / September / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری - سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ - فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

جلوه‌گاه رخ او دیده من تنها نیست
ماه و خورشید همین آینه می‌گردانند
عهد ما با لب شیرین دهنان بست خدا
ما همه بنده و این قوم خداوندانند

حافظ

حسنت بغایت آمد زآن صید کز دل را
عشقت بقوت آمد ما را بیبرد مارا

سیف فرغانی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۳۱	۰۵:۵۵	۱۱:۵۹	۱۸:۰۲	۱۸:۲۰

برگ

در زندگی، مهم نیست چه اتفاقی می‌افتد، مهم این است که چگونه به آن واکنش نشان می‌دهیم.

چارلز داروین

اشاره

روند نامگذاری کودکان ایرانی در یک دهه اخیر و نقش نهادهای فرهنگی

نگاهی به نام‌ها و نامگذاری‌های نوزادان ایرانی در ۱۰ سال گذشته حکایتی جالب است و حرف‌های زیادی برای گفتن دارد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تابناک در سال‌های اخیر، نامگذاری نوزادان در ایران شاهد تحولاتی چشمگیر بوده است، جایی که نام‌های مذهبی سنتی مانند فاطمه و محمد همچنان در صدر جدول جای دارند، اما نام‌های نوظهور و مدرن و یا اسامی برآمده از دل اقوام ایرانی با سرعت فزاینده‌ای به رتبه‌های برتر نفوذ کرده‌اند.

روند نامگذاری فرزندان، نه تنها بازتابی از تغییرات اجتماعی و فرهنگی است، بلکه نشان‌دهنده واکنش مردم به عملکردهای نهادهای فرهنگی است.

در سال ۱۳۹۴، نام‌های مدرن دخترانه مانند یاسمین (رتبه ۶) و پریسا (رتبه ۱۰) و پسرانه مانند امیرحسین (رتبه ۴) و امیرعلی (رتبه ۵) ظاهر شدند، اما هنوز حاشیه‌ای بودند و در سایه نام‌های مذهبی مانند زهرا (رتبه ۲) و حسین (رتبه ۳) قرار داشتند. این سال، نمادی از تعادل نسبی بود، جایی که حساسیت‌های رسمی به نام‌های "غیرمذهبی" کم‌رنگ‌تر بود.

به سال ۱۴۰۰ که می‌رسیم، موج مدرن‌گرایی شتاب می‌گیرد. نام‌های دخترانه نوظهور مانند رستا (رتبه ۳۰، به معنای رستگاری، اما با ریشه‌های باستانی ایرانی)، حلما (رتبه ۴۰، نامی تازه و شاعرانه)، آوا (رتبه ۵۰، مدرن و بین‌المللی)، مرسلا (رتبه ۸، ترکیبی نوین)، آیلین (رتبه ۹، الهام‌گرفته از طبیعت و نامی ترکی) و یسنا (رتبه ۱۳، ریشه زرتشتی) به طور چشمگیری صعود کردند. در پخش پسرانه، آراد (رتبه ۷، نامی ترکی با ظنین مدرن)، آریا (رتبه ۸، نام ایرانی)، آیهان (رتبه ۹، ترکی و نوظهور) و سامیار (رتبه ۱۰، شاعرانه و امروزی) از حاشیه به مرکز رسیدند. این صعود، همزمان با افزایش حساسیت نهادهای مذهبی و رسمی به نام‌گذاری‌ها بود، جایی که گزارش‌های رسمی از قم و نهادهای فرهنگی، نام‌های مدرن را به چالش کشیدند و حتی پیشنهاد ممنوعیت برخی را دادند.

در سال ۱۴۰۳، این گرایش به اوج رسید. نام‌های دخترانه مانند نورا (رتبه ۲، نامی نورانی و مدرن)، ماهلین (رتبه ۳، ترکیبی ترکی و نوین)، هانا (رتبه ۴، بین‌المللی) و رستا (رتبه ۵، تثبیت‌شده از سال قبل) نه تنها رتبه‌های برتر را اشغال کردند، بلکه نشان‌دهنده ترجیح والدین به نام‌هایی با هویت مستقل از تبلیغات غلط نهادهای فرهنگی بودند. برای پسران، آراد (رتبه ۴)، آیهان (رتبه ۵)، شاهان (رتبه ۶) و سامیار (رتبه ۱۰) با رتبه‌های بالا، بازتابی از تمایل به ریشه‌های ایرانی باستانی و نیز نام‌های ترکی و کردی و... بودند. این سال، با تشدید نظارت‌ها بر نام‌ها —از جمله تاکیدات ثبت احوال برای "مذهبی‌سازی" —همزمان بود. اما آمار نشان داد که مردم، ضمن توجه به آن اسامی اما بیشتر به نوظهورها گرایش یافتند.

بر اساس آمار غیر رسمی تا شهریور ۱۴۰۴، روند ادامه دارد: دخترانه با هانا (رتبه ۱)، ماهلین (رتبه ۴)، آیلین (رتبه ۷) و ریحانه (رتبه ۸، ترکیبی مدرن-مذهبی) و پسرانه با آراد (رتبه ۴)، آیهان (رتبه ۵)، شاهان (رتبه ۶) و سامیار (رتبه ۹). این نام‌ها، اغلب با ریشه‌های ترکی و فارسی باستان یا الهامات جهانی، رتبه‌های ۳ تا ۱۰ را تسخیر کرده‌اند.

تحولات قابل تامل

این تحولات، پارادوکسیکال است: هر چه حساسیت نهادهای مذهبی، فرهنگی و رسمی به نام‌ها افزایش یافته، مردم بیشتر به نوظهورها گرایش کرده‌اند. گزارش‌های رسمی، با تأکید بر نمودارها و آمار، نام‌های مدرن را "تهدید فرهنگی" می‌دانند، اما عملکرد ضعیف این نهادها —از جمله سخت‌گیری‌های بی‌ثمر و ایجاد مسئله از نام‌های بی‌ضرر —واکنش معکوس ایجاد کرده است.

در طول تاریخ، ایرانیان اسامی مذهبی را در عالی‌ترین سطح حفظ کرده‌اند: فاطمه و محمد همچنان رتبه اول را دارند. و اسامی مذهبی دیگر یا ترکیبی نوتر همچنان مورد توجه قرار دارند. اما وقتی روند فرهنگ به دست نهادهایی با عملکرد نامرتب سپرده می‌شود —یا عدد و رقم و بخشنامه‌های تزریقی —واکنش‌ها تاریخ را رقم می‌کند.

فرهنگ‌سازی مستقیم، محکوم به نتایج وارونه است: مردم، در برابر فشار، به هویت‌های مستقل و مدرن پناه می‌برند. البته زیبایی و جذابیت نام‌های فارسی، ترکی، لری و کردی و اقوام دیگر بر گرایشات مردم تاثیر زیادی داشته است.

کارشناسان معتقدند بهتر است جریان را به خود مردم سپرد. حساسیت رسمی، مسائل را پیچیده‌تر می‌کند و اعتماد را خدشه‌دار می‌سازد. در نهایت، این گرایش نشان می‌دهد که فرهنگ ماندنی رودخانه‌ای زنده، با داخالت‌های مصنوعی منحرف می‌شود، اما ریشه‌های عمیق مذهبی را از دست نمی‌دهد —بلکه آن را با مدرنیته آمیخته، برای نسلی پویا حفظ می‌کند. این، درسی برای سیاست‌گذاران است: اعتماد به مردم، کلید حفظ هویت است نه کنترل. ضمن اینکه اگر قرار بر ارسال پیامی برای مخاطبان است باید به صورت غیر مستقیم و در دل عملکردها باشد و از روش‌های تزریقی و تحمیلی باید پرهیز کرد.

گزارش روز

دست‌پُرپزشکیان برای ایرانیان مقیم آمریکا

رئیس دولت چهاردهم از زمان تکیه بر کرسی ریاست جمهوری، دست همکاری به سوی گروه های مختلف از جمله ایرانیان مقیم خارج دراز و تاکید کرده است که در دولت چهاردهم صدای همه گروه ها از جمله نخبگان و سرمایه گذاران ایرانی مقیم خارج شنیده خواهد شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، یکی از گروه‌های کمتر دیده شده ایرانیان در طول سال های گذشته، آن دسته از نخبگان و سرمایه‌گذاران ایرانی بودند که به هر دلیلی وطن را ترک کرده و در کشورهای مختلف جهان اقامت داشتند. خیلی از این هم‌وطن‌ها در طول این سال‌ها بارها اعلام کرده‌اند که دلشان برای خاک ایران می‌تپد و اگر شرایط مهیا باشد، آماده بازگشت به میهن و خدمت به وطن هستند. از سلبریتی‌های شناخته شده تا نخبگان علمی و اقتصادی که بنا به دلایل مختلف در طول سال‌های گذشته چمدان بسته و وطن را ترک کرده‌اند، در بزنگاه‌های مختلف نشان دادند که همچنان دل در گرو وطن داشته و حتی تمایل خود را از بازگشت به کشور اعلام کرده‌اند.

در طول جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اخیر، بار دیگر بخش اعظمی از ایرانیان مقیم خارج ثابت کردند که هر کجای این کره خاکی که باشند، قلب آنان برای وطن می تپد و در برابر دشمنی که چشم طمع به گوشه ای از خاک ایران دارد، هرگز سر تسلیم فرود نخواهند آورد. اما همواره در طول این سال ها مطالبات ایرانیان مقیم خارج در اکثر موارد از سوی دولت ها نادیده گرفته شده بود. از موانع برای رفت و آمد تا مشکلاتی که در حوزه انتقال پول و سرمایه با آن مواجه بوده اند.

نگاه دولت چهاردهم به ایرانیان مقیم خارج از ابتدا چه بود؟

مسعود پزشکیان، رئیس دولت چهاردهم، از زمانی که بر کرسی ریاست جمهوری تکیه کرد، صراحتا اعلام کرد که آغوش دولت چهاردهم به روی همه آحاد جامعه ایرانیان در هر کجای دنیا گشوده است و دولت چهاردهم برای پیشبرد اهداف و برنامه های خود دست یاری به سوی همه شما عزیزان دراز می کند. در طول عمر یک ساله دولت نیز، در هر کدام از دیدارهایی که شخص رئیس جمهور با ایرانیان مقیم خارج در کشورهای مختلف داشته است، بر روی این موضوع تاکید داشته است که صدای شما در دولت شنیده می شود.

پزشکیان در جمع ایرانیان مقیم آمریکا

در آستانه سفر رئیس جمهور به نیویورک، به منظور شرکت در نشست مجمع عمومی سازمان ملل، نگاهی به وعده ها رئیس جمهور در دیدار سال گذشته با ایرانیان مقیم آمریکا داشتیم. رئیس دولت چهاردهم سال گذشته در شرایطی که تنها چند ماه از آغاز به کار دولت می گذشت، عازم نیویورک شد. پس از سخنرانی در نشست مجمع عمومی سازمان ملل و پیش از باز گشت به کشور، در جمع ایرانیان مقیم آمریکا حضور یافت و بر روی این موضوع تاکید کرد که نخبگان، دانشمندان، تولید کنندگان و سرمایه گذاران ایرانی در هر گوشه ای از جهان برای ما قابل احترام هستند و معتقدیم با کمک آنها خواهیم توانست به مسیرهای جدیدی برای حل مشکلات و پیشرفت کشور برسیم.

آغوش گشوده دولت چهاردهم به روی ایرانیان مقیم خارج

رئیس جمهور ۱۴۰۳ در دیدار با ایرانیان مقیم آمریکا خاطر نشان کرد که استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور با تسهیل تردد به کشور، از جمله اولویت های دولت چهاردهم است. قطعا استفاده از توان، تجربه و مشورت شما نخبگان خارج از کشور برای حل مسائل و هموار کردن مسیر پیشرفت موثر واقع خواهد شد.

حال در آستانه سفر مجدد رئیس جمهور به آمریکا و دیداری دوباره با بخشی از جامعه ایران در خارج از مرزها، این سوال طرح می شود که آیا صدای ایرانیان مقیم خارج در دولت چهاردهم شنیده شد و دولت چهاردهم چه اقدماتی برای بهره گیری از این سرمایه های کشور تا به امروز انجام داده است؟

از نیویورک تا تهران

دولت چهاردهم همان طور که از روزهای آغازین خود قول تسهیل رفت و آمد ایرانیان مقیم خارج به کشور را داده بود، این موضوع را در دستور کار خود قرار داد. چندی پس از بازگشت رئیس جمهور از نیویورک، در زمستان سال گذشته لایحه حمایت از ایرانیان خارج از کشور به مجلس ارسال شد. در نهایت در اسفند ماه گذشته با تلاش دولت بالاخره کلیات این لایحه در صحن مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

مفاد لایحه حمایت از ایرانیان مقیم خارج چه بود؟

وحید جلال زاده، معاون پارلمانی، کنسولی و امور اتباع وزارت امور خارجه با اشاره به مفاد لایحه دولت برای حمایت از ایرانیان مقیم خارج، خاطر نشان کرد که در این لایحه در ۱۶ موضوع مرتبط با ایرانیان خارج از کشور به ویژه در امر تسهیل گری امورات آنان مورد توجه قرار گرفته است. راه اندازی سامانه پرسمان برای حل مشکلات ورود ایرانیان خارج از کشور به وطن، همچنین بحث اصلاح مواد قانونی در مورد تابعیت مضاعف و همینطور بحث دسترسی ایرانیان به سامانه های داخلی و تکلیف دستگاه ها به ارائه خدمت به ایرانیان خارج از کشور از موضوعاتی است که در این لایحه دیده شده است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز به این تلاش دولت برای حمایت از ایرانیان مقیم خارج لبیک گفته و جزئیات این لایحه نیز در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است؛ اما در عین حال هم چنان ایراداتی از سوی هیات عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به مفاد این لایحه وارد است که باید به آن رسیدگی شود.

یکی دیگر از موضوعاتی که این روزها از زبان هنرمندان و سلبریتی های مقیم خارج شنیده شده و بعضا خبرساز می شود، ابراز تمایل آنان برای بازگشت به کشور است. تعدادی از هنرمندان ایرانی رسما اعلام کرده اند که مایل هستند تا باقی عمر خود را در وطن خود سپری کنند.

تکلیف معاون اول رئیس جمهور به وزارت فرهنگ برای تسهیل بازگشت هنرمندان

دولت چهاردهم بارها آمادگی خود را برای فراهم کردن بستر بازگشت همه هنرمندان ایرانی مقیم خارج به کشور هم اعلام کرده است. چندی پیش محمد رضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، در سخنانی اعلام کرد که باید زمینه بازگشت ایرانیان به ویژه هنرمندان ایرانی به کشور فراهم شود و آنان را به وطن خود برگردانیم و از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌خواهم به صورت جدی این مساله را در دستور کار قرار دهد.

معاون اول رئیس جمهور، تاکید کرد که راهبرد دولت بازگرداندن ایرانیان خارج از کشور به وطن بوده و از هنرمندان خارج از کشور دعوت می‌کنیم به کشور برگردند و باید زمینه های ورود آنان که علاقه مند به بازگشت به کشور هستند را فراهم و مسائل و مشکلات آنان را حل کنیم. برخی گزارش‌ها از وضعیت زندگی ایرانیان در خارج از کشور نگران‌کننده است تا جایی که زندگی یک هنرمند عزیز ایرانی در لس‌آنجلس آمریکا نمی‌چرخد.

آنطور که مشخص است، دولت چهاردهم عزم خود را برای بهره گیری از ظرفیت ایرانیان مقیم خارج جذب کرده است و در این مسیر ارکان مختلف نظام نیز در کنار دولت ایستاده اند.

هیچ کس منع الورود به کشور نیست

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه نیز چندی پیش در گفتوگو با ایسنا در پاسخ به این پرسش که آیا امکان بازگشت هنرمندان مقیم خارج به کشور وجود دارد یا اینکه این افراد با محدودیت روبه رو هستند؟ بیان کرد که هر کسی که ایرانی هست و بازیگر و هنرمند فرقی نمی‌کند می‌تواند به داخل کشور بیاید و هیچ ایرانی منعی برای ورود به کشور ندارد و هر کسی که باشد ولی اگر احیانا مرتکب جرمی شده و جرمش قابل گذشت نباشد و شاکی خصوصی داشته باشد، باید پاسخگو هم باشد ولی هیچ کس منع الورود نیست.

سوغات پزشکیان برای ایرانیان مقیم خارج

شواهد نشان می دهد، دولت چهاردهم در طول یک سال گذشته تمام تلاش خود را برای پاسخگویی به مطالبات ایرانیان مقیم خارج به کار گرفته و در تلاش است تا از ظرفیت نخبگان، دانشمندان، سرمایه گذاران و تولید کنندگان ایرانی مقیم خارج بیشترین استفاده را برای پیشبرد اهداف دولت و آبادانی ایران داشته باشد. از سوی دیگر به نظر می رسد دولت چهاردهم توانسته دراین مسیر سایر ارکان نظام به ویژه قوه قضاییه و قوه مقننه را با خود همراه کندمی توان اذعان داشت که رئیس جمهور این بار با دست پر در جمع ایرانیان مقیم آمریکا حضور پیدا خواهدکرد.

دیدگاه

پزشکی در ایران: تناقضی میان مازاد و کمبود

بحران امروز نظام سلامت ایران حاصل ابتلائی از تصمیم‌های کوتاه‌مدت، بی‌برنامه و گاه پوپولیستی است. ادامه این روند به معنای پذیرش آینده‌ای است که در آن نعمت‌ها عدالت سلامت از دست می‌رود، بلکه ایمنی جان بیماران نیز به خطر می‌افتد. وقت آن رسیده است که سیاست‌گذاران به جای بازی با اعداد، پذیرش به نیازهای واقعی مردم توجه کنند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از نونیوز، چند روز پیش، رئیس سازمان نظام پزشکی با لحنی هشدارآمیز از واقعیتی پرده برداشت که سال‌هاست کارشناسان نظام سلامت درباره آن هشدار می‌دهند. او گفت از میان بیش از ۱۰۴ هزار پزشک عمومی ثبت‌شده در کشور، دست‌کم ۳۰ هزار نفر اساساً طبابت نمی‌کنند. این عدد به‌تنهایی نشان‌دهنده هدررفت نهادهای آموزشی، مالی و انسانی در کشوری است که به‌طور مستمر با بحران کمبود پزشک متخصص و توزیع ناعادلانه خدمات سلامت مواجه است.

تناقض بزرگ: افزایش ظرفیت عمومی در برابر کمبود تخصصی

این در حالی است که در آزمون دستیاری اخیر، ظرفیت بسیاری از رشته‌های حیاتی خالی مانده است. بر اساس آمار رسمی، تنها ۱۰ درصد ظرفیت طب اورژانس تکمیل شد. در حالی که این رشته نخستین خط دفاعی در حوادث جاده‌ای، بلایای طبیعی و اورژانس‌های بیمارستانی است. رشته بیهوشی با وجود نقش حیاتی‌اش در هر عمل جراحی، تنها ۳۲ درصد ظرفیت خود را پر کرد. در رشته اطفال که سلامت نسل آینده را تضمین می‌کند، تنها ۲۲ درصد ظرفیت تکمیل شد. و در رشته عفونی، که باید ستون مبارزه با بیماری‌های واگیردار باشد، سهم تکمیل شده فقط ۱۵ درصد بود. این اعداد نیست که با بتوان به‌سادگی از کنارشان گذشت. این ها علامت خطرند. چگونه ممکن است در کشوری که این چنین با کمبود متخصص در حوزه‌های حیاتی دست‌وپنجه نرم می‌کند، همچنان اصرار بر افزایش ظرفیت پزشکی عمومی وجود داشته باشد؟ طی دو دهه گذشته، هر بار که انتقادی درباره کمبود پزشک در کشور مطرح شده، پاسخ مسئولان وزارت بهداشت و نمایندگان مجلس ساده و ظاهراً قانع‌کننده بوده است: افزایش ظرفیت پذیرش در رشته پزشکی عمومی. اما داده‌ها نشان می‌دهد این سیاست در عمل نتیجه‌ای جز توزیع نیروی انسانی بدون کارایی نداشته است. امروز بیش از ۳۰ هزار پزشک عمومی، یا به دلایل معیشتی و شغلی وارد حوزه‌های دیگری شده‌اند، یا در مطب‌های غیرپزشکی فعالیت می‌کنند، یا اساساً عطای طبابت را به لقایش بخشیده‌اند. این در حالی است که هزینه تربیت هر پزشک عمومی برای دولت دست‌کم معادل دهها هزار دلار است. هدررفتی که اگر در مسیر تربیت پزشک متخصص هدایت می‌شد، امروز می‌توانست کمبودهای موجود را تا حدی جبران کند.

نابرابری جغرافیایی: عدالت سلامت قربانی مرکز گرایی

وجه دیگر بحران، توزیع ناعادلانه پزشکان متخصص است. بر اساس آمار رسمی، ۴۲ درصد از کل پزشکان متخصص کشور تنها در پنج کلان‌شهر متمرکز شده‌اند و در برخی رشته‌ها حتی ۶۰ درصد متخصصان در تهران حضور دارند. مجدای ساده این آمار آن است که بیماری در زاهدان، ایلام یا خوی برای یافتن متخصص بیهوشی یا عفونی باید صدها کیلومتر راه طی کنند و هزینه‌های گزاف حمل‌ونقل، اقامت و درمان را به جان بخرد. عدالت در سلامت، که باید اساسی‌ترین هدف نظام بهداشت و درمان باشد، در چنین شرایطی بیش از هر زمان دیگری رنگ باخته است. این نابرابری جغرافیایی تنها پیامد ضعف سیاست‌گذاری آموزشی نیست، بلکه بازتاب مستقیم بی‌توجهی به سیاست‌های انگیزشی و حمایتی است. وقتی پزشک متخصص در تهران یا اصفهان می‌تواند در شرایط کاری مطلوب‌تر و با درآمد بیشتر فعالیت کند، چه انگیزه‌ای برای حضور در بیمارستان‌های مناطق محروم دارد؟ نبود بسته‌های تشویقی جدی برای جذب و نگاه‌داشت پزشکان در مناطق کمبرخوردار، بحران را تشدید کرده است. افزون بر این، موضوع مهاجرت پزشکان نیز به نگرانی‌ها دامن زده است. گزارش‌های غیررسمی حاکی است که در سال‌های اخیر شمار قابل توجهی از پزشکان عمومی و متخصص به کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی مهاجرت کرده‌اند. دلایل این مهاجرت‌ها روشن است: مشکلات معیشتی، فشار کاری سنگین، نبود امنیت شغلی و بی‌اعتمادی به آینده. حرف‌های این روند در شرایطی که کشور با کمبود متخصص روبه‌رو است، ضربه‌ای دوچندان به نظام سلامت وارد می‌کند. تربیت پزشکی که سال‌ها زمان و میلیاردها تومان هزینه داشته، امروز به‌سادگی از مرزها خارج می‌شود و به نظام سلامت کشورهای دیگر خدمت می‌کند.

پیامدهای اجتماعی و اقتصادی بحران

این نابسامانی‌ها صرفاً موضوعی صنفی یا محدود به جامعه پزشکی نیست. پیامدهای آن در زندگی روزمره مردم آشکار است. هر بیماری که برای یافتن یک متخصص مجبور به سفر به پایتخت می‌شود، علاوه بر رنج بیماری، فشار مالی سنگینی را نیز تحمل می‌کند: هزینه‌های جانبی درمان —از حمل‌ونقل تا اقامت —برای بسیاری از خانواده‌ها کمرشکن است. در نتیجه، دسترسی به خدمات تخصصی به امری طبقاتی بدل می‌شود: ثروتمندان می‌توانند هزینه‌های سفر و درمان را بپردازند، اما اقشار کم‌درآمد ناچارند یا از درمان صرف‌نظر کنند یا با تأخیر خطرناک به خدمات دسترسی پیدا کنند.

ریشه این بحران را باید در چند محور جست‌وجو کرد:

۱. سیاست‌های کوتاه‌مدت و غیرعلمی: تصمیم‌گیری‌ها عمدتاً در پاسخ به فشارهای سیاسی و اجتماعی بوده است، نه بر اساس نیازسنجی دقیق و آینده‌نگرانه.

۲. نبود نظام ملی برنامه‌ریزی نیروی انسانی سلامت: کشور فاقد الگویی است که نیازهای جمعیتی، الگوی بیماری‌ها و ظرفیت‌های آموزشی را با محور علمی به هم پیوند دهد.

۳. ضعف در زیرساخت‌های آموزشی و بالینی: افزایش ظرفیت دانشجویان بدون تقویت بیمارستان‌های آموزشی و امکانات بالینی، کیفیت آموزش را به‌شدت کاهش داده است.

۴. بی‌توجهی به انگیزه‌های مالی و شغلی: رشته‌های حیاتی به‌دلیل فشار کاری زیاد و درآمد کمتر جاذبه‌ای برای پزشکان جوان ندارند.

اکنون سئوال این است که چه باید کرد؟ نخستین گام، پذیرش واقعیت است. ما کمبود پزشک عمومی نداریم؛ مشکل ما کمبود پزشک متخصص و توزیع ناعادلانه خدمات است. افزایش بی‌محابای ظرفیت عمومی، درمان بحران نیست، بلکه خود بخشی از بحران است.

گام دوم، بازنگری در سیاست پذیرش و تمرکز بر رشته‌های مورد نیاز است. باید برای رشته‌های حیاتی مانند بیهوشی، اورژانس، اطفال و عفونی، بسته‌های تشویقی مالی و شغلی تعریف شود: بورسیه‌های تحصیلی با تعهد خدمت، حقوق و مزایای ویژه برای خدمت در مناطق محروم، و فرصت‌های ارتقای علمی برای جذب پزشکان جوان. گام سوم، تدوین یک نقشه ملی نیروی انسانی سلامت بر پایه داده و آینده‌نگری است. این نقشه باید بر اساس روند جمعیتی، بار بیماری‌ها و نیازهای منطقه‌ای طراحی شود و ظرفیت آموزشی دانشگاه‌ها را متناسب با آن تنظیم کند. و در نهایت، سیاست‌گذاران باید به شفافیت تن دهند. انتشار سالانه گزارش جامع از وضعیت نیروی انسانی سلامت —از تعداد پزشکان فعال تا توزیع جغرافیایی و ظرفیت‌های پر و خالی —می‌تواند افکار عمومی و تصمیم‌گیران را در جریان واقعیت قرار دهد و از تکرار تصمیم‌های اشتباه جلوگیری کند. بحران امروز نظام سلامت ایران حاصل ابتلائی از تصمیم‌های کوتاه‌مدت، بی‌برنامه و گاه پوپولیستی است. ادامه این روند به معنای پذیرش آینده‌ای است که در آن نعمت‌ها عدالت سلامت از دست می‌رود، بلکه ایمنی جان بیماران نیز به خطر می‌افتد. وقت آن رسیده است که سیاست‌گذاران به جای بازی با اعداد، پذیرش به نیازهای واقعی مردم توجه کنند. آینده سلامت کشور را نمی‌توان با آزمون و خطا رقم زد. این یک هشدار است؛ هشداری که اگر شنیده نشود، فردا دیگر فرصتی برای جبران نخواهد بود.

برش

عملیاتی که جهان را جای خطرناکتری کرد

انفجار پیجرها در لبنان اعلان جنگ سردی تازه بود. جنگ سرد نه بر سر بمب، اتم که این بار بر پایه صفر و یک، جنگ دیجیتالی.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روزنامه فرار، سال پیش در چنین روزی (۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴) انتشار خبر انفجار پیجرها در لبنان همه را در بهت و ترس فرو برد.

حدود چهل نفر از جمله چند کودک کشته و بیش از سه هزار نفر مجروح و معلول شدند. فردای آن روز، ۱۸ سپتامبر نیز صدها بیسیم به همین ترتیب منفجر شد. هدف اصلی اعضای حزب‌الله لبنان بود اما ۱۲ تن از کشته‌شدگان و برخی از مجروحان غیر نظامی و مشغول زندگی عادی خود بودند.

مجتبی امانی، سفیر ایران در لبنان نیز از جمله این آسیب دیدگان بود. او در این حادثه یک چشم خود را از دست داد و چشم دیگرش به شدت آسیب دید.

تقریبا همه در اینکه اسرائیل این اقدام را انجام داده، متفق بودند، اما پس از گذشت دو ماه بود که اسرائیل مسئولیتش را پذیرفت.

عملیات پیجر پیامدهای بسیاری برای حزب‌الله لبنان داشت.

بسیاری از نیروهای حزب‌الله در این حادثه نابینا شدند یا از ناحیه کمر یا دست دچار آسیب‌های جدی و معلولیت شدند. در واقع این بدان معناست که در این عملیات، حزب الله حدود سه هزار نفر از نیروهایش را از دست داد.

بعلاوه، بخش زیادی از توان دیگر نیروها نیز که در این حادثه آسیب ندیده بودند، معطوف به کمک‌رسانی به آسیب دیدگان شد. همین به اسرائیل فرصت داد، بسیاری از دیگر نیروهای حزب‌الله را در طی چند روز شناسایی کند.

حادثه انفجار پیجرها را می‌توان نقطه عطفی برای درک و تحلیل وضعیت کنونی حزب‌الله دانست.

برای همین هم بود که بعدها یعنی فوریه ۲۰۲۵، نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، در سفر به ایالات متحده یک پیجر طلایی یادبود به دونالد ترامپ هدیه داد و ترامپ به هدیه او اینطور پاسخ داد: «عملیات فوق‌العاده‌ای بود».

بنابر گزارش‌ها، پیجرهای بمب‌گذاری‌شده از طریق شرکت‌های صوری و احتمالا از طرف مجرسازان به حزب‌الله لبنان فروخته شده بود.

بسیاری این عملیات را محکوم کرده و آن را جنایت جنگی توصیف کردند.

این عملیات مغایر با کنوانسیون مربوط به استفاده از ته انفجاری (Convention on Certain Conventional Weapons) شناخته شده که اسرائیل نیز آن را امضا کرده است.

بنابر این کنوانسیون استفاده از «ته انفجاری یا سایر اشیاء قابل حمل بی‌خطر» که ممکن است حاوی مواد انفجاری باشند» ممنوع است.

تجربه حملات سایبری، سرقت اطلاعات یا ایجاد اختلال در تجهیزات سخت‌افزاری هوش مصنوعی چیز تازه‌ای نیست.

آنچه حادثه لبنان را از حملات سایبری گذشته متفاوت کرد، تبدیل یک وسیله بی‌خطر به یک سلاح بود.

این حادثه یک هشدار بود. جهان می‌تواند خطرناک‌تر از چیزی باشد که تا پیش از عملیات پیجر به‌نظر می‌رسید.

خاکریزهای جنگ می‌تواند تا داخل خانه‌ها گسترش یابد. این ویژگی جنگ‌های نوین قرن ۲۱ است. جنگ‌های ترکیبی یا همان به اصطلاح جنگ‌های هیبریدی.

دشمن می‌تواند بکشد بی‌آنکه حتی گلوله‌ای شلیک کرده باشد. می‌تواند تمام نظامات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی و انتظامی را بهم بریزد بی‌آنکه نیاز داشته باشد مزدورانی برای این کار اجیر کند.

پس از این بود که زنگ خطرها درباره امکان تبدیل هر وسیله‌ای به یک سلاح به صدا درآمد. هر چیزی که به اینترنت وصل باشد، می‌تواند یک اسلحه باشد.

سال ۲۰۱۶، گزارش‌هایی درباره انفجار گوشی‌های گلکسی نوت ۷ سامسونگ منتشر شد. این گوشی‌ها به دلیل نقص در باتری و طراحی معیوب، آن دچار انفجار می‌شدند. هرچند این موضوع به ظاهر تنها یک شکست اقتصادی و تبلیغاتی برای سامسونگ بود، اما معنای پنهان دیگری هم داشت: ابزار هوش مصنوعی، حتی بدون اینکه حاوی ماده انفجاری باشند، می‌توانند تبدیل به یک بمب شوند.

سامسونگ در نهایت مجبور به جمع‌آوری و توقف تولید این محصول خود شد.

با گسترش تهدیدات امنیتی در حوزه هوش مصنوعی، سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بشری تلاش می‌کنند پروتکل‌هایی در جهت جلوگیری از سوءاستفاده از فناوری‌ها در سطح جهانی تصویب کنند. اما برای هیچ یک، ضمانت اجرایی وجود ندارد.

برای همین اگر روزی گوشی تلفن‌تان شروع به شماره‌گیری کرد، کانال‌های تلویزیون خودبه‌خود بالا و پایین شد، صدای موزیک ضبط‌تان مدام کم و زیاد شد، لباسشویی، لباس‌ها را ناگهان به بیرون پرتاب کرد یا حتی یخچال شروع به راه رفتن یا حرف زدن کرد یا حین رانندگی کنترل خودروی‌تان را از دست دادید تعجب نکنید. قرار کنید به شما حمله شده است.

در جهانی که همه چیز آن درهم تنیده است و به قدر دهکده‌ای کوچک شده است و تکه‌ها و قطعات هر محصول و کالایی، از دستگاه‌های کوچک‌بازی کامپیوتری گرفته تا غول‌پیکرترین دستگاه‌های های‌تک صنعتی، از خودروهای شخصی تا هواپیماهای پهن‌پیکر مسافربری و از محصولات غذایی تا محصولات بهداشتی و درمانی، از نقاط مختلف این دهکده به پرواز درمی‌آیند تا در نقطه‌ای بهم برسند، دیگر چه کسی به دیگری اعتماد خواهد کرد.

جهان پس از عملیات پیجر لبنان با جهان پیش از آن فرق کرده است.

حادثه لبنان آغاز جنگ سرد تازه بود؛ اگر اسرائیل از وسیله‌ای غیر نظامی، برای حذف دشمنانش استفاده کرده است، چرا دیگران نکنند.